

بازسازی نواهای عصر طلایی هالیوود

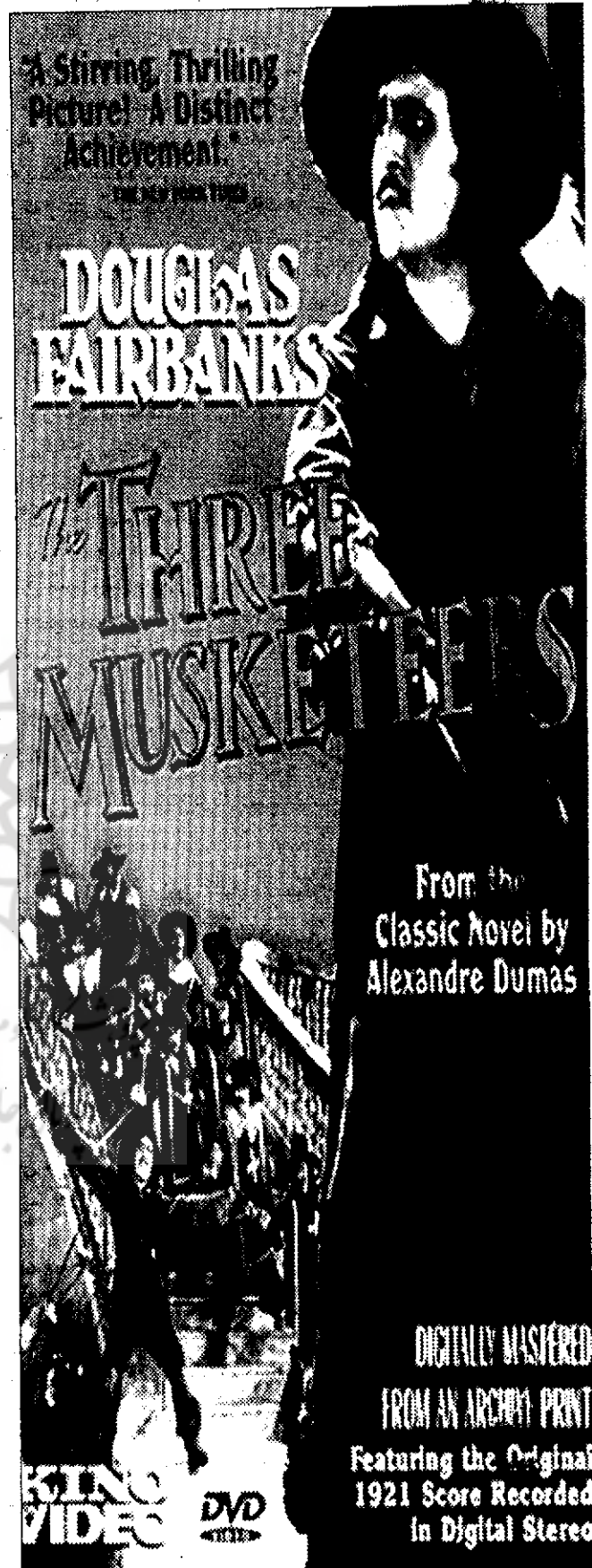
ترجمه علی شاد روح

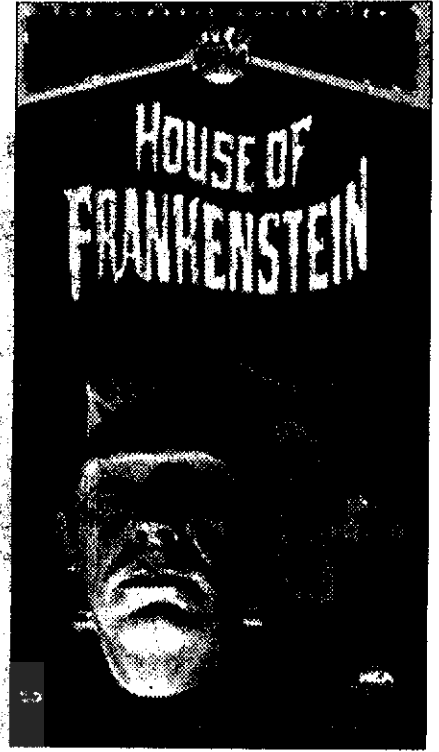
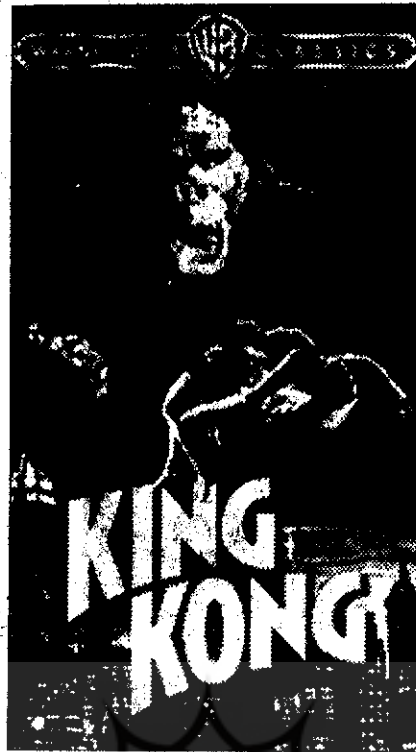
موانعی و مطالعات فرهنگی

جان مورگان از موسیقیدان‌های ساکن لوس آنجلس است که هم در زمینه آهنگسازی برای فیلم و هم در زمینه بازسازی موسیقی فیلم‌های کلاسیک هالیوود فعالیت می‌کند.

مورگان در رشته موسیقی از دانشگاه دولتی سن دیه گو مدرک کارشناسی ارشد گرفت و زیر نظر دیوید وارد اشتاینمن به مطالعه آهنگسازی پرداخت.

وی برای بیش از بیست فیلم سینمایی و تعداد زیادی از برنامه‌های تلویزیونی آهنگ تصنیف کرده و اینک قصد ساختن آهنگ برای فیلم تخیلی به نام «عهد عتیق‌ها» ساخته دیوید آن دارد. جان به همراه ویلیام جی. استرومیرگ، رهبر ارکستر، سرگرم اجرای پروژه‌های عظیم برای شرکت مارکوپولو در زمینه بازسازی و ضبط سویت‌های قدیمی و آهنگ‌های کامل فیلم‌های مربوط به «عصر طلایی» هالیوود است. این پروژه تا به حال آهنگ‌های ساخته شده توسط جان جی. سالتر، فرانک اسکیز، ماکس اشتاینر، آنفرد نیومن، برنارد هرمان، اریک ولفگانگ کورن گلد، فرانسیس واکسمن، ویکتور یانگ و هوگو فرایده هوفر را شامل شده است.





آثار او ربط دادم، بار دیگر در اواسط دهه ۶۰ با او دیدار کردم و ما با هم دوست شدیم. وقتی در ارتش خدمت می‌کردم (در بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰) او اغلب برای من نامه می‌نوشت و مرا سرگرم می‌کرد. آیا اشتاینر هرگز شما را به آهنگسازی برای فیلم ترغیب کرد یا از این کار بر حذر داشت؟ مفیدترین نصیحتی که به شما کرد چه بود؟

من زمانی که ماکس را شناختم، واقعاً به آهنگساز فیلم شدن فکر نمی‌کردم. حتمس این است که باید چند بار او در این مورد صحبت کرده باشم، اما در آن زمان خیال داشتم، معلم موسیقی شوم.

شما پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه دولتی سن دیه‌گو، به هالیوود رفتید و ارکستر نوپس ساخته‌های برخی از بهترین آهنگسازان فیلم، از جمله فرد اشتاینر، بروس بروتن و آلکس نورث را برصده گرفتید. چطور شد که طرف توجه آن‌ها واقع شدید؟

من و بروس نورتن در دسته موزیک ارتش (سال ۱۹۶۸) با یکدیگر آشنا شدیم. هیچ‌کدام از ما راه‌گریزی از این دسته موزیک نداشتیم؛ من در اوایل سال ۱۹۷۰، از طریق دخترخانمی که در حال آماده کردن یک فیلم مستند درباره ماکس اشتاینر بود و به همین دلیل از من اطلاعات می‌گرفت، با فرد اشتاینر، دیدار کردم. فرد من، به دلیل عشق مشترکی که به موسیقی

وقتی در می‌یافتم که گیره‌های سوسکی شکل را مستقیماً بر روی بلندگوی واقعی در داخل جعبه تلویزیون، متصل کرده‌ام.

فکر می‌کنم شما برای اولین بار در دوران نوجوانی با ماکس اشتاینر دیدار کردید. آیا می‌توانید از آن دیدار و اثری که بر روی شما گذاشت، صحبت کنید؟

من در کلاس ششم درس می‌خواندم و کلاس ما را برای بازدید از کمپانی برادران وارنر و فراگیری چیزهایی درباره فیلم‌سازی، به آن‌جا برده بودند. ما در سر صحنه اجرای موسیقی فیلم حاضر شدیم و در آن‌جا بود که من اشتاینر را در حال رهبری یکی از آثارش دیدم (فکر می‌کنم موسیقی فیلم داستان اف.بی.آی، یا فیلمی از همان دوران بود، درست به خاطر نمی‌آورم، من حتی نمی‌دانستم که او آهنگ فیلم کینگ‌کنگ را ساخته اما می‌توانستم شکل ساده شده تم تاراه را بر روی پیانو بنوازم و معلم من هم این موضوع را می‌دانست. اشتاینر پرسید که آیا کسی می‌تواند سازی بنوازد، و من با همان حالت سادگی مخصوص یک جوان، دستم را بلند کردم. با کمی سیخونک خوردن از طرف بچه‌ها، به سمت پیانو رفتم و تم تارا را اجرا کردم. اعضای ارکستر مرا تشویق کردند. ماکس گفت: «اوه، نه، باز هم یک رقیب دیگره این حادثه در آن زمان خیلی اهمیت نداشت، اما زمانی که واقعاً با موسیقی اشتاینر آشنا شدم و همه چیز را به

خیلی دلم می‌خواهد باور کنم که تصمیم شما برای آهنگساز فیلم شدن از یک حادثه حیاتی در اوایل زندگیتان نشأت می‌گیرد، یعنی زمانی که برای اولین بار فیلم کینگ‌کنگ را دیدید و موسیقی پرشکوه ماکس اشتاینر را که برای این فیلم ساخته بود، شنیدید. آیا این خواب خیال من، حقیقت دارد؟

خوب، حقیقتش این است که من با عشق و گوش دادن به موسیقی کلاسیک بزرگ شدم. پدرمادرم تعداد زیادی صفحه داشتند و من دائماً به موسیقی کلاسیک که از یک ایستگاه محلی پخش می‌شد، گوش می‌دادم. البته بدون تردید من به موسیقی فیلم علاقه داشتم و فیلم کینگ‌کنگ را در تلویزیون و همین‌طور فیلم‌های وحشتناک فوق‌العاده ساخت کمپانی یونیورسال در اواخر دهه پنجاه را دیده بودم. فکر می‌کنم من هم مانند یک پسر بچه عادی، واقعاً از این جور فیلم‌ها خوشم می‌آمد و به خصوص لذت خاصی از موسیقی آن‌ها می‌بردم. البته آهنگسازان کلاسیک چون مالر، ریچارد اشتراوس، بتهوون، ریمسکی کورساکف و تعداد بی‌شماری از آهنگسازان کلاسیک دیگر، همیشه در کنارم بودند. من هم مانند بسیاری دیگر، موسیقی فیلم‌های مورد علاقه‌ام را مستقیماً از تلویزیون بر روی نوار ریل، ضبط می‌کردم. البته در آن زمان هنوز ویدئو نیامده بود و به یاد می‌آورم چقدر دچار زحمت می‌شدم



متن فیلم‌های کلاسیک داشتیم، با هم دوست شدیم. من در ضبط آهنگ متن فیلم کینگ‌کنگ در سال ۱۹۷۶ دخالت داشتم (آهنگ‌هایی را که باید به توالی ضبط می‌شد، انتخاب می‌کردم) و نت‌های ضبط‌کننده قطعات را نوشتیم. من بار دیگر با بروتون ملاقات و سرانجام تعداد زیادی از پروژه‌های تلویزیونی را برای او آرکستره کردم. من هم مانند فری، آرکستر نویسی ساخته‌هایی از فیلم‌های کوتاه صامت لورل و هاردی برای تلویزیون، موسوم به Late Tunes را برعهده گرفتم و لورل و هاردی آرکستر نویسی بعضی از آثار نورث برای نسخه تلویزیونی نمایشنامه مرگ اروشنده کرد که توسط لورل تهیه شده بود.

آیا به خاطر می‌آورید، اولین بار چنه کسی از شما خواسته برای فیلم آهنگ بسازید؟ اصلاً چطور شد که برای فیلم آهنگ ساختید؟

من در ابتدا بر کالج، برای تعداد زیادی از فیلم‌های دانشجویی آهنگ ساختم. یکی از این کارها از بقیه مشخص‌تر بود، یک فیلم کوتاه به‌یست‌دقیقه‌ی بر اساس داستانی از ری برادبری Ray Bradbury با عنوان صدای رعد The Sound of Thunder و پسانگام، After math که یک فیلم حادثه‌ی کم هزینه دریا جهان پس از جنگ هسته‌ی بود، اولین فیلم بلندی محسوب می‌شد که من برای آن آهنگ ساختم. در واقع فیلم صدای رعد بود که منجر به تصنیف آهنگ برای فیلم پسانگام شد.

آیا مصنفان (فیلم یا موسیقی مجلسی) یا گرایشات موسیقایی خاصی وجود دارند که تأثیری مستقیم بر شیوه مخصوص شما در آهنگسازی فیلم گذاشته باشند؟

تقریباً هر مصنفی که من روی آثار او کار کرده‌ام، این تأثیر را روی کار من داشته است. زمانی بیل استرومبرگ Bill Stromberg اظهار داشت که از نظر وی، اثرات آخرین کار من در زمینه بازسازی آهنگ‌ها، نهایتاً در حرفه فعلی‌ام، یعنی تصنیف آهنگ برای فیلم کاملاً مشهود است. بازسازی آهنگ متن فیلم‌های کلاسیک، بزرگترین آموزشی محسوب می‌شود که یک آهنگساز فیلم می‌تواند فراگیرد. من قادرم، در مورد کوچکترین جزئیات یک اثر تحقیق و تفحص کنم و با استفاده از نتایج به دست آمده، عناصر اولیه مورد استفاده در کار خودم را فراهم کنم.

آیا در میان ساخته‌های شما، اثری پیدا می‌شود که بیشتر از بقیه مورد علاقه‌تان باشد؟ چه چیز باعث می‌شود که این اثر از بقیه برجسته‌تر باشد؟

هنوز چنین چیزی برای من پیش نیامده است. هنوز انتظار فیلمی را می‌کشم که بتوانم به همراه یک آرکستر خیالی، تنها آنها، هر آهنگی بخواهم برای آن فیلم

شما در حال بازسازی یک اثر هستید، باید اصول و قواعد اجرا و تصنیف آثار موسیقی مربوط به آن دوره به خصوص را بشناسید. تله‌ها و چاله‌های زیادی بر سر راهتان است که باید از آن‌ها عبور کنید و اگر ندانید که چه چیزی در اطرافتان می‌گذرد، آن وقت کارتان تمام است.

شما ضبط موفقیت‌آمیز یک سری آهنگ‌های متن فیلم‌های کلاسیک را برای شرکت مارکوپولو آغاز کرده‌اید که بخش اعظم آن را شما و ویلیام اشترومبرگ، دوستان با بازسازی قطعات قدیمی ساخته شده برای پیانو خلق کرده‌اید. چطور شد که روی این سری کار کردید؟

اولین آلبوم‌های ما خیلی موفق بود، لذا کلاوس هی من Klaus Heyman، مدیر مارکوپولو، گفت که ما باید این آلبوم‌ها را به شکل مسلسل‌وار ادامه دهیم. چون این پیشنهاد از کار کردن در همبرگر فروشی بهتر و آموزنده‌تر بود، پیشنهاد کلاوس را به اصطلاح در هوا قاپیدیم.

اولین بار در چه زمانی با هانس جی - سالتر آشنا شدید؟ آیا قبل از این که تونی توماس Tony Thomas از شما بخواهد که بازسازی آهنگ متن فیلم خانه فرانکنشتاین House of Frankenstein و شیخ فرانکنشتاین Ghost of Frankenstein را بر

بسازم. از آهنگی که چند سال پیش برای فیلم «شیطان در بطری» Demon In The Bottle ساختم راضی هستم اگر چه بودجه‌ی بی برای آهنگ متن در نظر گرفته نشده بود. این فیلم به سبک فیلم‌های هاری هاوسن Harry Hausen ساخته شده بود و من از ساختن آهنگ برای آن، لذت بردم.

چطور شد برای اولین بار درگیر بازسازی آهنگ متن فیلم‌های کلاسیک شدید؟

تونی توماس Tony Thomas از من خواست تا یک آهنگ به سبک سویت برای فیلم «سه تفنگدار» The Three Musketeers که آهنگ آنرا اشتاینر ساخته بود، تهیه کنم. ابتدا قرار بود این اثر به صورت زنده اجرا شود، اما نهایتاً قضیه به ضبط آهنگ بر روی سی.دی‌های شرکت مارکوپولو، ختم شد. همین کار باعث شد که بر روی آثار سالتر Salter هم که از دوران کودکی عاشق آن بودم، کار کنم.

برای این که یک موسیقیدان بتواند روی بازسازی آهنگ متن فیلم کار کند، از چه مهارت‌هایی باید برخوردار باشد؟

یک موسیقیدان غیر از آن‌که باید یک آرکستر نویس خوب باشد، باید اوضاع و شرایط تاریخی و موسیقی دوره مورد نظر را واقعاً بشناسد. هر آرکستر نویس خوبی می‌تواند یک اثر موسیقی را آرکستره کند، اما زمانی که

عهده بگیرد، با موسیقی سالتر آشنا بودید؟ نظرتان درباره آثار او چیست؟

من عاشق آهنگهای فیلمهای وحشتناک ساخت کمپانی یونیورسال هستم. این فیلمها در تمام عمرم، با من بوده‌اند. من می‌دانستم که هیچ‌کس دیگری به طور جدی به این نوع موسیقی نمی‌پردازد، لذا از این که فرصت پیدا کرده بودم به موسیقی فیلمهای وحشتناک زندگی دوباره ببخشم، احساس غرور می‌کردم.

این موضوع مرا ناامید می‌کرد که سالتر و فرانک اسکینر Frank Skinner همکار او، در مقایسه با موسیقیدانان معاصر آنها یعنی اشتاینر، نیومن و واکسمن، خیلی کمتر شناخته شده بودند. چرا فکر می‌کنید که سالتر و اسکینر نتوانستند توهمی را که استحقاقش را داشتند کسب کنند؟

مساله به همین سادگی است که آن‌ها آثاری فوق‌العاده برای فیلم‌هایی خلق کردند که آهنگ متن آن‌ها باعث شهرتشان نشده است. آن‌ها برای فیلمهای درجه دوم، آهنگهای درجه اول می‌ساختند. همه می‌دانند که واکسمن، به عنوان یک آهنگساز درجه اول، آهنگ بزرگی برای فیلم «عروس فرانکنشتاین» Bride of Frankenstein ساخت، در حالی که سالتر و اسکینر بیچاره بیشتر برای کمپانی یونیورسال کار می‌کردند که آهنگهای متن فوق‌العاده فیلم‌هایش عامل شهرت آن نبود. در حقیقت یونیورسال از یک بخش آهنگسازی خارق‌العاده با تعداد زیادی از آهنگسازان فوق‌العاده با استعداد برخوردار بود.

آیا سالتر به خاطر جلب شدن ناگهانی علاقه مردم به آثارش، که خیلی دیر به سراغش آمد، غافلگیر شد؟ فکر می‌کنم همین طور باشد. او چقدر انسان غریزی است. او همیشه طرفدارانی داشت اما با انجام این کارهای جدید، واقعا بی برد طرفدارانی دارد که قبلاً از وجود آن‌ها بی‌خبر بوده است. و حتی به رغم آن‌که اولین ضبط او خیلی چشمگیر نبود، اما هانس راضی و خوشحال می‌نمود. او به مقالات تحسین‌آمیز درباره این کار که در مجله‌های کلاسیک به چاپ رسیده بود، عشق می‌ورزید.

مایلد چه آثار دیگری از سالتر و اسکینر را ضبط کنید؟

خرابکار Saboteur، آپوت و کاستلو با فرانکنشتاین دیدار می‌کنند Abbot and Costello Meet Frankenstein، شب‌های عربی Arabian Nights، خانه هفت شیروانی House of Seven Gables، خورشید هرگز غروب نمی‌کند The Sun Never Sets، خیابان پشتی Back Street، پسر دراکولا Sun of Dracula، دست شیب و پسی مومیایی The Mommy's Hand - Ghost-Foot ... و بسیاری

دیگر. بیل استرومبرگ چگونه در کار ساز روی فیلمهای مسائیل مارکوپولو شد؟

من در رابطه با اجرای عاشقانه‌های تبارخی، Historical Romances و آلبوم Capt. Blood با رهبر ارکستر توافق نداشتم و لذا بیل را به کلاوس پیشنهاد کردم. او پیشنهاد مرا پذیرفت و خوشحالم کرد. بیل، بهترین است. او به زعم خودش، یک آهنگساز و ارکسترنویس خیلی خوب است. من از زمانی که بیل تنها سه سال داشت او را می‌شناختم و در واقع با پدر او آشنا بودم. او با سازی تعداد زیادی از سبک‌های ما از جمله «سازهای مارکوپولو» Adventures of Marco Polo، «بوسته» Bogi Bozi، اسکورا موچه Scora Moche را عهدگذار شد و زمانی که او لحاظ وقت فرم منطبقه اقتلام او تصنیف قطعات سمپاتی آهنگهای و خانه فرانکنشتاین را به عهده گرفت. من نظر او را درباره سبک‌هایی که تکمیل کرده‌ام، نیز جویا می‌شوم. ما به اتفاق به مسکو رفتیم و این یک تلاش مشترک واقعی بود. او از همان ابتدای هر پروژه‌ای که عهدمدار می‌شوم، با من است. کار ما از هر نظر، یک کار گروهی است. بدون بیل، من این جور کارها را نمی‌کنم. ما درست راست یکدیگر هستیم.

بیشتر آثار شما را ارکستر سمفونی مسکو اجرا کرده است. آیا دلیل خاصی دارد که این ارکستر را در اجرای آثار قدیمی، از بقیه ارکسترها، متمایز می‌سازد؟

آن‌ها نوازندگان درجه اولی هستند. آن‌ها می‌توانند به سبک‌های گوناگون ساز بنوازند. ما می‌توانیم اجرای سازهای اضافی و غیرسنتری (مثل ساکسوفون، گیتار و...) و همین طور بخش همسرایی را به اعضای ارکستر سمفونیک مسکو محوّل کنیم. و آن‌ها عاشق نواختن این سازها هستند.

ظن من این است که نوازندگان روس، زیاد با فیلمهای آمریکایی آشنا نیستند. چه رسد به آهنگ متن این فیلم‌ها که شما با آن‌ها کار می‌کنید. آیا اعضای ارکستر سمفونیک مسکو، پیش از ضبط کردن متون بازسازی شده، خود فیلم‌ها را می‌بینند یا به آهنگ متن اصلی گوش فرا می‌دهند؟

به ندرت. انتقال حس، حالت و سبک موسیقی فیلم‌های مورد نظر به اعضای ارکستر از روی سکوی رهبری، کار بیل است.

آهنگی را که باید ضبط شود، چگونه انتخاب می‌کنید؟ دست من در انتخاب موسیقی و تنظیم برنامه برای ضبط آلبوم، کاملاً باز است. یکی از دغدغه‌های اصلی من این است که ضرب آهنگ‌ها و بخش‌های یک آهنگ معین را اجرا نکنم، بلکه هدف من این است که کل موسیقی فیلم را جدا از خود فیلم، به عنوان یک اثر

ارکسترال، به مورد اجرا در آورم. بنابراین اجازه می‌دهم که موسیقی خودش تعیین کند که یک عنوان، ده دقیقه‌ی باشد، بیست دقیقه‌ی باشد یا کل یک دیسک را پر کند سعی من این است که از میان موسیقی فیلم‌های عصر طلایی هالیوود بهترین‌ها را انتخاب کنم. و هرگز روی آهنگی که قبلاً اجرا شده کار نمی‌کنیم، مگر آن که بتوانیم چیز بیشتری ارائه دهیم.

از میان دیسک‌هایی که تا به حال پر کرده‌اید، کدامیک برای شما از بقیه جالب توجه‌تر است؟

متنفرم از این که بین آثارم فرق بگذارم. در همه آن‌ها چیزی وجود دارد که برایم بسیار عزیز و نزدیک است. من به هر یک از آلبوم‌هایم اشتیاق شدیدی دارم. فقط کار کردن روی چیزی که برایم اهمیتی ندارد، کلافه‌ام می‌کند.

بیشتر آهنگهای متنی که شما ضبط کرده‌اید، توسط آهنگسازان فیلم مشهور ساکن هالیوود تصنیف شده‌اند. اما شما اخیراً آهنگ متن فیلم «موبی دیک» Moby Dick ساخته فیلیپ سسینتون Phillip Salnton را ضبط کردید. سینتون یک موسیقی‌دان فوق‌العاده انگلیسی است اما شهرت زیادی ندارد. چه چیزی شما را واداشت تا بر روی اثر این آهنگساز کار کنید؟

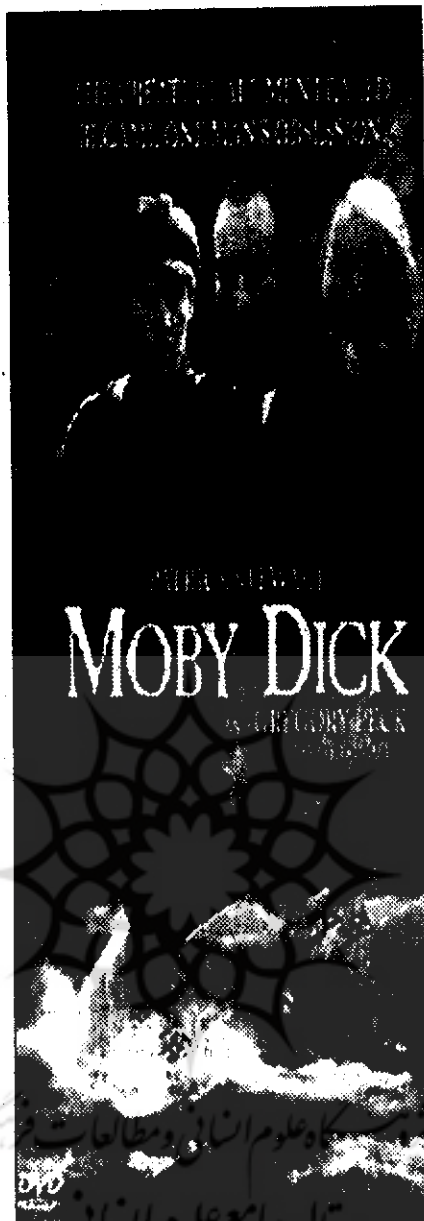
بیل ویتیکر Bill Whitaker دخترش را پیدا کرد و این خانم بخش اعظم دستنویس موسیقی فیلم را در اختیار داشت. من مدت سی سال مجذوب این اثر بودم و خیلی خوشحالم که توانستم یک آلبوم کامل از روی آن تهیه کنم.

آیا آهنگهای متنی ساخته آهنگسازان انگلیسی برای فیلم‌های انگلیسی وجود دارد که شما قصد ضبط آن‌ها را داشته باشید؟

برنامه‌ی در این زمینه ندارم، اما خیلی مایلم که آلبوم کاملی از روی آهنگهای متن فیلم‌های «نفرین شیطان» Curse of the Demon، «مرده شب» Dead of Night و زمانی طولانی در بازار مکاره So Long at the Fair and حدود ده دوازده‌تای دیگر تهیه کنم. پیدا کردن نت آثار انگلیسی کار بسیار دشواری است. بسیاری از آن‌ها گم یا خراب شده‌اند.

کینگ‌کنگ، یکی از تازه‌ترین کارهای شماست. این سومین بار است که آهنگ متن این فیلم به یک صورت تقریباً کامل دوباره ضبط می‌شود. البته اگر نسخه‌ی از این فیلم را که توسط کمپانی یونایتد در اواسط دهه هفتاد پخش شده را هم به حساب آوریم، اجرای این اثر توسط فرد اشتاینر با ارکستر فیلارمونیک ملی بسیار رضایت‌بخش بود. چرا خواستید دوباره آن را ضبط کنید؟

این اثر، به معنای واقعی کلمه یک شاهکار است و باید



هر بیست سال یک بار دوباره اجرا و ضبط شود. لازم بود که کار به صورت کامل و آن هم با ارکستراسیونی اجرا شود که به اصل اثر، وفادارتر بود.

آیا آهنگهایی وجود دارد که قبلاً اجرا شده باشند و شما بخواهید دوباره خودتان آن‌ها را اجرا کنید. تعداد زیادی از این آثار وجود دارد که فکر می‌کنیم نیاز به ضبط دوباره داشته باشند مثل «عروس فرانکشتاین»، «ریکا» و «کشور بزرگ» The Big Country.

تعداد آثاری که اسم بردید خیلی کم بودا نمی‌دانم کار کردن روی این تعداد کم چقدر می‌تواند اقتصادی باشد. خودم خیلی مایلم که یک اجرای کامل و اصیل از آهنگ متن فیلم «آن چه در پیش است» Things to Come داشته باشم. و می‌خواهم آهنگ متن «شیخ فرانکشتاین» را بازسازی و در واقع کار قبلی روی این فیلم را بازنشسته کنم.

آیا آثاری وجود دارد که شما نمی‌توانید به دلیل قوانین مربوط به حق تکثیر، دخالت استودیوها، مشکلات مربوط به حق مالکیت مصنفان یا فقدان ابزار اجرایی لازم، آن‌ها را بازسازی و ضبط کنید؟

هنوز که چنین مشکلی پیش نیامده. نبودن فقط یک پیانو یا دفتر نت رهبرارکستر می‌تواند از اجرای یک پروژه، به طور کامل جلوگیری کند.

زمانی که شما و بیل اثری را بازسازی و ضبط کرده‌اید، بر سر دفتر نت مربوط به رهبرارکستر چه می‌آید؟ آیا شما این دفتر را برای اجرا یا ضبط در اختیار ارکسترهای دیگر هم قرار می‌دهید؟

این کتاب‌ها روانه دانشگاه بریگام یانگ Brigham Young University می‌شوند. در این دانشگاه، آثار اشتاینر و فراید هوفر Fried Hofer بایگانی شده است. امیدوارم که سوییتهای ما در آینده در کنسرت‌ها اجرا شوند.

شما در کنار آهنگسازان مشهوری چون اشتاینر، هرمان، کورن گلد، نیومن و واکسمن، دیسک‌هایی را به آهنگسازان کمتر مشهور هالیوود چون هوگو فراید هوفر و ویکتور یانگ Victor Young اختصاص داده‌اید. آیا آثار این مصنفان هم مثل آن‌هایی که مشهور هستند، به فروش می‌رسند؟ اگر این آهنگسازان مثل اشخاصی چون برنارد هرمان محبوب نیستند، پس آیا ارزش دارد که خطر فروش پایین را به جان بخرید و آثار آن‌ها را ضبط کنید؟

تا حالا که فروش پایینی از هیچ کدام نداشته‌ایم. در مورد فراید هوفر نگران بودم اما ظاهراً او خودش را به بقیه رسانده است. سعی من بر این است که در میان CDهایم که گاه، آثار آهنگسازانی را هم که فروش آثارشان سخت‌تر است بگنجانم. می‌خواهم روی آثار ژسهد Roomheld، کاپلان Kaplan، ماک ریچ

آثار خود ظرایف بسیار زیبایی دارد. آیا هرگز فکرش را کرده‌اید که روی بعضی از آثار قدیمی‌تر آهنگسازان فیلم محبوب امروزی مثل جان ویلیامز John Williams، جربی گلداسمیت Jerry Goldsmith، المر برنشتاین Elmer Bernstein و... کار کنید؟

شاید، اما این آهنگسازها CDهای خوبی بیرون داده‌اند. سعی ما این است که فقط آثاری را ضبط کنیم که یک نسخه ضبط شده دست اول از روی آن‌ها وجود نداشته باشد. اما امیدوارم که گلداسمیت یا کمپانی یونیورسال آهنگ متن فیلم «پهرست پیام‌آوران آدریان» List of Adrian Messenger را بر روی CD بیرون بدهند، وگرنه شاید ما مجبور شویم روی آن کار کنیم.

آیا می‌توانید یک گزارش خصوصی از آثاری که قصد دارید در آینده نزدیک ضبط کنید به من بدهید؟

آهنگ فیلم ویکتور یانگ Victor Young (متشکل از سه اپیزود، «ناخوانده» Uninvited، «برگ درخشان» Bright Leaf، و «سفرهای گالیوره») و آلفای اسکفینگتون Mr. Skeffington اثر واکسمن، «از خودگذشتگی» Devotion اثر کرون لگد، «باغ اهریمن» Garden of Evil اثر هرمان و «سوی دیگ» اثر سینتون، قبلاً ضبط شده‌اند اما هنوز پخش نشده‌اند. ظرف چند هفته آینده روی آهنگ متن فیلم «آن‌ها با چکمه‌هایشان مردند» They Died With Their Boots اثر اشتاینر و «مصری» The Egyptian اثر نیومن/هرمان کار خواهیم کرد. غیر از این‌ها، ما کارمان را متوقف نگردانیم ولی قدر مسلم این است که با آثار «وب» دیگر کاری نداریم.

آیا فکر می‌کنید که کمپانی مارکوپولو تا آینده‌ی قابل پیش‌بینی با شما همکاری کند؟

تا وقتی که همچنان پولساز باشند با آن‌ها همکاری خواهیم کرد... وگرنه ما را خوش و آن‌ها را به سلامت. حالا می‌خواهم سؤالی را مطرح کنم که دیگر نمی‌توانم در دلم نگه دارم: قضیه مجموعه آثار بازسازی شده شما برای فیلم تحت عنوان «جزیره متروک» Desert Island چیست؟ می‌توانید در باره هر یک از آهنگ‌های این مجموعه که بخواهید صحبت کنید.

اگر چربی زبانی نباشد، باید بگویم که کمپانی مارکوپولو در حال بیرون دادن این مجموعه است. آیا ما این بخت را خواهیم داشت که به زودی یکی از کارهای خودتان را بر روی دیسک‌های مارکوپولو ببینیم؟

ذوق و سلیقه من تاکنون دچار تزلزل نشده است. بنابراین فکر نمی‌کنم که در آینده نزدیک هم چنین چیزی رخ بدهد. □

Meckridge و سایرین کار کنم. شما به ویژه علاقه زیادی به آثار به شدت نادیده گرفته شده روی وب Roy Webbs داریم. آیا برنامه‌ی برای ضبط آثار وی دارید؟

امیدوارم که در آینده نزدیک یک CD از روی آثار وال لوتن Val Lewton تهیه کنم. همچنین، آهنگ‌های او برای فیلم‌های زائر سیاه و همین طور فیلم‌هایی چون سندباد ملوان Sinbad the Sailor و آخرین روزهای پوهی Last Days of Pomeo فوق‌العاده است. او در